

بماند و نه بی جهت علیه کسی طرح دعوا شود. هیچ انسانی عاری از خطا نیست اما من تلاش کردم علیه منتقدانی که انتقاداتی با رعایت معیارهای متعارف از دولت می کنند طرح دعوا نشود مگر مسأله‌ای که خلاف واقع باشد و عنوان مجرمانه داشته باشد و شورای نظارت هم شکایت از آن را ضروری ببیند. یعنی اگر اعلام خلاف واقع روی جامعه تأثیر نگذارد و در کلیت حرکت درست کشور خللی ایجاد نکند، می گوئیم که اغماض کنند. من فکر نمی کنم که هیچ دولتی وجود داشته که نقد کردن آن به اندازه این دولت راحت بوده باشد. انصافاً انتقادات همواره با تندترین لحن ها علیه دولت مطرح بوده است. اگر واقعاً دیدگاه دولت تند و بی انعطاف بود، انتقاد و اعتراض به قوه مجریه، آسان و زیاد نبود. ولی با شما موافقم که باید حقوق مردم و آزادی بیان در حداکثر ممکن باشد.

## ■ یعنی شما به صرف انتقاد از کسی مشخصاً فعال سیاسی یا رسانه‌ای شکایت نکرده اید؟

نه من به یاد ندارم که به صرف یک انتقاد بدون اینکه خلاف واقع باشد، شکایت کرده باشیم. در مورد جامعه مطبوعاتی بنای ما بر مسامحه است. درباره آن مواردی هم که شکایت می شود، برای ما راجع می آید. یعنی از ما خواسته می شود که شکایت کنیم. البته اگر جایی ببینیم که ضرورت ندارد توضیح می دهیم و همه تلاش خود را برای توجیه اینکه شکایت ضرورت ندارد، می کنیم. ولی باید بدانید وقتی به کسی از اعضای دولت توهین می شود یا نسبت ناروایی داده می شود در نهایت این حق اوست که صرف نظر بکند یا نکند. معاونت حقوقی همیشه در این موارد تلاش کرده تا در مرز تعادل، تساهل و میانه روی گام بردارد.

■ شکایتی که اخیراً گفته شده از آقای حق شناس عضو شورای شهر تهران انجام شده از سوی شما بوده؟  
نه. با اطمینان به شما می گوئیم که از طرف معاونت حقوقی طرح شکایتی نشده است.

■ در ماجرای موسوم به ملک جماران که مشخص شد دروغ بوده، لازم ندانستید از کسی شکایت کنید و همان روشنگری هایی که شد، کافی می دانستید؟

اعلامات خلاف واقع و حتی اقدامات خلاف وبدون رأی مرجع ذیصلاح وجود داشت ولی تا این لحظه شکایتی نکرده ایم. تنها چیزی که پیگیری کردیم این بود که در این ماجرا با ترتیبی عمل کنیم و راهکاری بدهیم که هم مجموعه تاریخی جماران محفوظ باشد، هم حقوق مردم، یعنی بدون آسیب به هویت تاریخی و فرهنگی در محدوده‌ای که لازم است، ضوابط خاص اعمال شود و در عین حال، حتماً حقوق مردم و تضییقات و محدودیت های احتمالی نسبت به مالکیت آنها هم جبران شود.

■ شما به لوابح شفافیت و تعارض منافع اشاره کردید. به نظر می رسد یکی از وجوه مشترک این لوابح از بین بردن برخی روزه های فساد باشد. اخیراً هم در سازمان هلال احمر شفافیت را جزئی از حقوق شهروندی خواندید. این تأکید بر ارتباط شفافیت و فساد و حقوق مردم از کجایم آید؟

بهانه حضور در هلال احمر رونمایی از مجموعه قوانینی بود که بخش حقوقی هلال احمر با همکاری ما تئقیح کرده بود. آنجا این بحث را مطرح کردم که وقتی قوانین را تئقیح می کنید و آن را در اختیار مردم می گذارید، دو کار انجام می شود؛ اول دارید به مردم

اطلاع رسانی می کنید و دوم اطلاعات صحیح را از ناصحیح جدا می کنید. پس هم نفس اطلاع رسانی و هم اطلاع رسانی صحیح از وظایف حاکمیت هستند. خود این هم پایه شفافیت است. الان کلی دستگاه داریم که هر کدام قوانین و مقرراتی مثلاً بخشنامه هایی دارند که نه اطلاع رسانی می کنند و نه روی سایت می گذارند. وقتی از شفافیت می گوئیم از این حرف می زنیم که مردم بایستی باید و نبایدهایی را که متوجه آنهاست بتوانند به سادگی و بدرستی به دست آورند و بدانند. همه کسانی که در مقام تصمیم گیری هستند، دارند برای شما تعیین تکلیف می کنند. شما به عنوان شهروند حق دارید بدانید این مرجع کیست، اعضایش چه کسانی هستند، صلاحیتش چیست، با کدام مستند قانونی تصمیم گرفته و چه طور درباره شما نظر داده. بنابراین تمام هدف لایحه شفافیت این بود که فرایند قانونگذاری، مقررات گذاری و تصمیم گیری و تصمیم سازی قضایی و اداری روشن در اختیار مردم باشد. مردم اگر مکلف به تکالیفی می شوند، باید بدانند آن تکلیف چیست و آیا آن مرجع می توانسته برای آنها این تکلیف را بگذارد یا نه؟ این جلوی فساد را می گیرد.

دینفع فرق می کنند. یعنی یک جا اطلاع رسانی عام لازم است و یک جا اطلاع رسانی به دینفعان. مثلاً در همین لایحه شفافیت پیش بینی کرده ایم مردم بتوانند به فایل اداری خود در دستگاه ها دسترسی داشته باشند و این طور نباشد که هر کسی بتواند در پرونده شما چهار تا کاغذ بگذارد و مسائل را متوجه شما بکند شما هم دسترسی و اطلاع نداشته باشید. لایحه مدیریت تعارض منافع هم چنین کار کردی دارد. یعنی شما فعالی هستید در حوزه مطبوعات و برای خودتان روزنامه و چاپخانه ای دارید و موقعیتی دارید. بعدش می بیند شما آدم موفق بوده و می گویند دعوتش کنیم تا معاون وزیر ارشاد شود. شما قبول می کنید و از آن به بعد می توانید برای مسائل مطبوعات تصمیماتی بگیرید. اینکه چه تصمیماتی بگیریم، کجا کمک کنیم، کجا یارانه بدهیم، کجا ندهیم، به چه کسی بدهیم و به چه کسی ندهیم. اینجا شاید در خیلی موارد شما در موقعیت تعارض منفعت خصوصی خودتان و منفعت عمومی قرار بگیرید. شما یک فعال مطبوعاتی بودید که برای خودتان بنگاه مطبوعاتی داشته اید، ولی الان در این مسند هستید. یک راهش این

**یکی از شرکت های دولتی که خصوصی سازی شده، آمده مدعی ۲۵ هزار هکتار زمین شده در حالی که در فهرست اموال موضوع واگذاری نبوده است. بنابر این رفته اند مصوبه ای که این زمین ها را از موضوع واگذاری جدا و استثنا کرده، ابطال کنند تا بتوانند این زمین را مالک شوند. اما ما محکم ایستادیم و جلوی آن را در مرحله اول گرفتیم. در موردی دیگر متوجه شدیم نهادهای برای یک نفیسه ملی بسیار مهم رفته حتی سند هم گرفته است. دعوای ابطالش را مطرح کردیم و پیگیر هستیم**

است که بگوئیم هیچ کسی بیرون از دولت حق ندارد وارد دولت شود. اما چنین دولتی حتماً قوی نخواهد بود.

دنیا الان به این نتیجه رسیده که باید در را باز کرد. کسی که توانایی داشته یک کسب و کار موفق راه بیندازد، حتماً وقتی به دولت بیايد و مسئولیتی بگیرد می تواند مؤثر باشد. پس باید از فعالان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بخش خصوصی در حاکمیت استفاده کنیم. ولی باید بحث تعارض منافع را مدیریت کنیم. اگر نکنیم اینجا محل فساد است. چون اومی آید در مسند می نشیند و تصمیماتی می گیرد که ممکن است بیشتر گوشه چشم داشته باشد به بنگاه هایی که خودش دارد. راهکار این نیست که پای او را از بودن در حاکمیت قطع کنیم، راهکار این است که شما مثل دنیا یاد بگیرید که سازوکاری برای اداره کار و نظارت بر آن داشته باشید که در موقعیت احتمالی تعارض منفعت عمومی با منفعت خصوصی، مطمئن شوید به منفعت عمومی تقدم داده خواهد شد. مثلاً در هر شورایی که آن آدم هست، اگر تصمیمی گرفته می شود که به بنگاه شخصی اش مربوط می شود آن را اعلام کند. مقام بالاتر یا واحدهایی که برای این کار اختصاص یافته اند مشخص کنند که این فرد اصلاً در جلسه حاضر نباشد، یا حاضر باشد اما حق رأی نداشته باشد. این رویکرد زمینه

وقتی شما می دانید حقتان چیست و می دانید قانون چیست، هر مقامی که با شما رفتار خارج از حدود قانون بکند می توانید به او تذکر دهید یا به مراجع نظارتی مربوط مراجعه کنید.

## ■ این شفافیت شامل انتشار مشروح مذاکرات نهادها هم می شود؟

بله، همه اینها در لایحه آمده است. علی الاصول باید همه مراجع تصمیم گیری، مقررات گذاری و قانونگذاری، مصوبات و مشروح مذاکرات خود را در جایی منتشر کنند. ممکن است در مواردی مانند شورای عالی امنیت ملی یا دیگر مراجع و مسائل امنیتی، از این نوع شفافیت معاف شوند. در همه دنیا همین طور است. البته در این موارد هم باید ضوابطی که تعیین می کند چه چیزهایی محرمانه است، معلوم شوند.

■ مثلاً آیا مشروح مذاکرات شورای نگهبان درباره صلاحیت نامزدهای انتخابات شامل این معافیت می شود یا نه؟

توجه کنید ما در شفافیت دو حوزه را باز کرده ایم و از هم تمیز دادیم؛ اول اطلاع رسانی به عموم و دوم اطلاع رسانی به دینفع. لازم نیست اگر جایی به شما اتهامی زدند، من به عنوان یک شهروند از آن باخبر شوم. اما خودتان باید خبر داشته باشید. بنابراین دو مقوله اطلاع رسانی برای عموم و اطلاع رسانی برای